

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحمد الله سال گذشته بحث را تا ابتدای بحث حجیت قول لغوی در این مجلس مطرح کردیم، اما در مرکز فقهی نیز همین بحث را داشتیم و در آنجا بحث حجیت قول لغوی و بحث اجماع و شهرت را نیز مطرح کردیم و به پایان رساندیم - که انشاءالله جزوهای آنها را تنظیم کرده و خدمت آقایان تقدیم می‌کنیم - بنابراین، بحث را از ابتدای بحث خبر واحد آغاز می‌کنیم.

مباحث مقدماتی

در بحث از خبر واحد قبل از آن که وارد ادله‌ی طرفین - نافین و مثبتین - شویم، چند مطلب را به عنوان مقدمه باید عنوان کنیم.

آیا بحث از حجیت خبر واحد جزء مسائل علم اصول است؟

مقدمه اول : آیا بحث از حجیت خبر واحد داخل در مسائل علم اصول هست یا اینکه داخل در مسائل علم اصول نیست؟ همانطور که در اول بحث اصول عنوان شد، مشهور اصولیین موضوع علم اصول را ادله اربعه: قرآن، سنت، عقل و اجماع قرار داده‌اند؛ و یکی از نقض‌های وارد بر آن، نقض به خبر واحد بود؛ می‌گفتند بحث از حجیت خبر واحد یکی از مباحث علم اصول است و بلکه از مهمترین مباحث علم اصول است؛ در حالی که خبر واحد نه عنوان کتاب را دارد و نه عنوان سنت را دارد؛ چون خبر واحد حاکی از سنت است و خودش عنوان قول یا فعل یا تقریر معصوم را ندارد؛ در نتیجه، خبر واحد از ادله اربعه خارج می‌شود. برای دفاع از مشهور، همان‌طوری که مرحوم آخوند در اول بحث از خبر واحد فرموده‌اند، دو تجشم، یعنی دو تکلف را مرتکب شده‌اند. تکلف اول تکلفی است که صاحب فصول مرتکب شد؛ گفت بحث از ادله اربعه اگر با وصف دلیلیت باشد، این اشکال بر مشهور وارد است؛ اما اگر گفتیم موضوع علم اصول ادله اربعه بذاتها است، یعنی با قطع نظر از اینکه آیا دلیل هست یا دلیل نیست، در این صورت، این اشکال بر مشهور وارد نمی‌شود. تکلف دوم، تکلفی است که مرحوم شیخ انصاری اعلی الله مقامه الشریف مرتکب شد؛ ایشان می‌فرمایند برای دفع اشکال از مشهور، می‌گوییم در بحث خبر واحد این بحث مطرح است که آیا سنت که یکی از ادله اربعه است، با خبر واحد اثبات می‌شود یا نه؟

نزاع در حجیت خبر واحد بر می‌گردد به اینکه آیا سنت - قول، فعل یا تقریر معصوم - با خبر واحد ثابت می‌شود یا نه؟ و این می‌شود بحث از عوارض سنت. مسئله و موضوع علم نیز به چیزی گفته می‌شود که از عوارض موضوع بحث کند. مرحوم آخوند در کفایه به مرحوم شیخ دو اشکال کردند. اشکال اول این است مراد شما از این ثبوت چه ثبوتی است؟ اگر مراد ثبوت واقعی خارجی است، بحث از این که آیا سنت با خبر واحد ثابت می‌شود، بر می‌گردد به «کان» تامه و بحث از وجود شیء. در حالی که بحث ما در اینجا بحث کان ناقصه است؛ یعنی بحث از عوارض موضوع؛ یعنی بحث از عوارض موضوعی که موجود

است و اصل وجودش مسلم است. به عبارت دیگر، بحث از وجود و عدم وجود موضوع، به عنوان مبادی علم مطرح می‌شود. شما وقتی بحث می‌کنید که آیا مثلاً ظاهر کتاب حجیت دارد یا نه؟ بحث از وجود قرآن نمی‌کنید، بلکه بحث می‌کنید قرآن موجود آیا متصف به حجیت است یا نه؟ اما بحث این که قرآن موجود است یا نه؟ این بحث از مبادی می‌شود. پس، در هر علمی بحث از وجود یک موضوع می‌رود در مبادی آن علم؛ و اگر بخواهد در زمره مسائل قرار بگیرد، باید به عنوان کان ناقصه باشد. این اولاً، ثانیاً خبر هیچ وقت از علل تحقق سنت نیست؛ خبر علت حدوث کلام معصوم یا فعل معصوم نیست؛ بلکه خبر کاشف از کلام معصوم است. اگر ثبوت را ثبوت واقعی بدانیم، برگشتش به این است که آیا سنت با خبر و احد ثبوت واقعی پیدا می‌کند؛ یعنی آیا خبر واحد علت حدوث و تحقق سنت هست یا نیست؟

هیچ فقیهی توهّم نمی‌کند که خبر واحد برای تحقق سنت علت محدثه باشد. اما اگر مراد از ثبوت، ثبوت تبعیدی باشد، باز دارای دو اشکال است: اشکال اول مرحوم آخوند این است که معنای ثبوت تبعیدی که در مقابل ثبوت واقعی است، این است که اگر خبری گفت امام صادق این را فرموده، ما متعبد می‌شویم که این کلام امام موجود بوده، متعبد می‌شویم به ثبوت سنت. بنابراین، ثبوت تبعیدی وصف برای خبر است؛ به عبارت دیگر، ثبوت تبعیدی از عوارض خبر است و نه از عوارض سنت. به نظر می‌رسد که اشکال اول آخوند وارد نیست؛ برای اینکه هر دو طرف را می‌شود گفت؛ یعنی ثبوت تبعیدی را هم می‌توانیم از عوارض سنت قرار دهیم و هم می‌توانیم از عوارض خبر قرار دهیم؛ بگوییم آیا خبر اثبات تبعیدی می‌کند یا سنت تبعیداً بوسیله خبر ثابت می‌شود؟ ثبوت تبعیدی طرفینی است. برخی از بزرگان در باب خبر مسئله تنزیل را مطرح کردند، همان حرفی که سال گذشته در باب امارات گفتیم که یک مبنا در حجیت امارات این است که امارات نازل منزله علم قرار می‌گیرند؛ از باب حجیت تنزیلیه.

در تنزیل یک منزل داریم و یک منزل علیه و یک وجه تنزیل؛ در اینجا منزل ما خبر، منزل علیه سنت و وجه تنزیل وجوب العمل بالخبر است. همانطور اگر انسان توفیق دارد و در محضر امام نشسته، حرف امام را می‌شنود و عمل به آن واجب است، می‌گوییم اگر زراره و شخص عادل خبر آورد، این هم نازل منزله همان سماع از لسان مبارک امام است. گفته‌اند همانطور که می‌توانیم بگوییم ثبوت تبعیدی از عوارض منزل است، می‌توان گفت که از عوارض منزل علیه هم هست. این بیان هم وجود دارد؛ منتها این بیان، یک بیان مبنایی است و ما در سال گذشته، مسئله تنزیل و این که حجیت امارات از باب تنزیل باشد را بطور کلی ابطال کردیم. عرض ما این است که در رد کلام آخوند نیازی به این مبنا نیست که از راه تنزیل وارد شویم؛ بلکه می‌گوییم ثبوت تبعیدی همان طوری که وصف برای خبر می‌تواند باشد، وصف برای سنت هم می‌تواند باشد؛ کما اینکه در ثبوت تکوینی، وقتی می‌گویید خبر اثبات تکوینی می‌کند سنت را؛ که ثبوت تکوینی هم وصف خبر بود و هم وصف سنت، در ثبوت تبعیدی هم همینطور است؛ اگر بگوییم با خبر سنت ثبوت تبعیدی پیدا می‌کند، ثبوت تبعیدی هم وصف است برای خبر و هم وصف است برای خود سنت. لذا، این اشکال مرحوم آخوند اشکال واردی نیست.

اشکال دوم مرحوم آخوند بر مرحوم شیخ این است که ملاک در اصولی بودن مسئله، همان عنوان مبحث عنه است؛ همان عنوانی که در باب خبر و احد بحث و مطرح می‌شود. می‌گوییم آیا خبر واحد حجت است یا نه؟ اما اینکه شمای شیخ اعلی الله مقامه می‌گوید بحث از حجیت خبر واحد یعنی بحث از اینکه آیا خبر واحد موجب ثبوت تبعیدی سنت هست یا نه؟ این بحث، تفسیر به لازم است. بله، اگر خبر واحد حجت بود، لازمه حجیت خبر واحد ثبوت تبعیدی سنت است؛ اما این لازمه غیر از عنوانی است که اصولیین در محل نزاع مورد بحث قرار دادند. اصولی‌ها می‌گویند آیا خبر واحد حجت است یا نه؟ به نظر ما، اشکال دیگری که بر مرحوم شیخ می‌شود، این است که در بحث خبر واحد، همیشه بحث از ثبوت سنت نداریم، بلکه بعضی از موارد هست که بحث از خبر و احد است، اما ربطی به ثبوت سنت ندارد. - این نقض و اشکال را جایی ندیدم که مطرح کرده باشند، دقت کنید. - یکی از مباحثی که در خبر واحد دارید، این است که آیا خبر واحد در موضوعات حجیت دارد یا ندارد؟ که ما در بحث اجتهاد و تقلید این را مفصل بحث کردیم. برخی قائل هستند ادله حجیت خبر واحد شامل خبر و احد در موضوعات هم می‌شود، که یک مصداقش در رجال است؛ اگر کسی گفت «زید عادل است»، بنا بر این که تعدیل معدل را در رجال از باب شهادت ندانیم - که بگوییم احکام شهادت و شرایط شهادت و بینه در کجا معتبر است؛ کثیری از بزرگان روی مبنای شهادت

وارد شدند اما برخی هم قبول ندارند که این توثیقات از باب شهادت باشد - از راه اعتبار خبر واحد در موضوعات این مطلب حل می‌شود.

سوال ما این است که طبق قول کسانی که خبر واحد را در موضوعات معتبر می‌دانند، اینجا این ثبوت سنت نیست؛ ارتباطی هم به سنت ندارد. به نظر می‌رسد این نقض و اشکال بر مرحوم شیخ، از اشکالات مطرح شده در کلام مرحوم آخوند روشن‌تر است. بنابراین، تکلف مرحوم شیخ هم فایده ندارد. مرحوم آخوند بعد از بیان اشکال وارد در کلام مشهور و اشکالات وارد بر کلام صاحب فصول و مرحوم شیخ، می‌فرمایند همان حرفی که در اول علم اصول زدیم، اینجا مطرح می‌کنیم؛ در آنجا گفتیم که موضوع علم اصول محدود به ادله اربعه نیست؛ موضوع علم اصول قدر جامع بین موضوعات و مسائل است؛ و این مسائل مختلفی که وجود دارد، موضوع قدر جامع بین مسائل است؛ لذا، از این راه مسئله خبر واحد را داخل در مسائل علم اصول می‌کنند. ما در اول بحث اصول که در سال 76 بحث خارج اصول را شروع کردیم، در آنجا اقوال را ذکر کردیم؛ مجموعاً در مورد موضوع علم اصول بیان کردیم که شش نظریه وجود دارد؛ یکی از انظار که البته با نظریه مرحوم آخوند نزدیک است، نظریه‌ای است که مرحوم محقق اصفهانی اعلی الله مقامه الشریف دارد. ایشان می‌فرمایند موضوع علم اصول جامع عرضی بین موضوعات متکثره است؛ یعنی مسائل علم اصول موضوعات متکثره دارد که یک قدر جامع ذاتی ندارد و بلکه یک قدر جامع عرضی دارند. حالا قدر جامع عرضی‌اش چیست؟ می‌فرمایند اسمش را الحجة فی الفقه می‌گذاریم؛ حجت آن است که صلاحیت دارد در احکام شرعی برای فقیه دلیل باشد.

ما در آنجا همین نظریه مرحوم اصفهانی را اختیار کردیم؛ و طبق این نظریه، بحث خبر واحد نه تنها از مسائل علم اصول است، بلکه از مهمترین مسائل علم اصول است. این مقدمه اول بحث حجیت خبر واحد؛ مقدمه دوم این بحث است که بر حجیت تمام اخبار موجود در کتب اربعه ادعای اجماع شده است؛ که در این صورت، بحث از حجیت خبر واحد یک بحث لغوی می‌شود. چرا که وقتی ادعای اجماع شده بر اعتبار آنچه که در کتب اربعه آمده، فقیه نیازی به بحث از حجیت خبر واحد پیدا نمی‌کند. این مطلب را مرحوم نائینی در صفحه 158 از جلد 3 فوائد الاصول مطرح کرده و مورد اشکال قرار داده‌اند. پیش مطالعه بفرمایید که ان شاء الله روز شنبه بیان خواهیم کرد. چرا که فردا به مناسبت سالگرد تخریب قبور ائمه بقیع در هشتم شوال و به احترام ائمه بقیع بحث تعطیل است.